

تحلیل کاربرست طرح‌واره‌های تصویر در داستان هفت شهر عشق منطق‌الطیر عطار موزه متروپولین

چکیده

حرکت عرفانی همواره یکی از موضوعات مطرح در عرفان و تصوف بوده است و عارفان برای تهذیب نفس به سلوک‌های طولانی می‌پرداختند. در واقع، عرفان و تصوف نوعی مسافرت و تجربه‌ای است که فرد در عین بی‌خوابی، خدا را در خود احساس می‌کند. بسیاری از چهره‌های نامدار تصوف، سیر آفاق و انفس را با یکدیگر آمیخته‌اند. مفهومی که موجب تطابق دو حوزه مذکور می‌شود، «انگاشت» یا «انگاره» نامیده می‌شود. طرح‌واره‌های تصویری به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند: (۱) حرکتی؛ (۲) حجمی؛ (۳) قدرتی. به اعتقاد جانسون، انسان با مشاهده حرکت خود و سایر پدیده‌های عینی و متحرک، ساخته‌ای مفهومی را در ذهنش به وجود می‌آورد. این ساخته حاصل تجارب فیزیکی انسان از جهان مادی و متحرک هستند. طرح‌واره حرکتی، یکی از اقسام مهم و پرکاربرد طرح‌واره‌های تصویری در متون عرفانی است که با تحلیل آن می‌توان به علل اصلی توجه عطار به سفر سیمرغ و مسئله انتخاب عدد به‌عنوان راهبر پی برد. پژوهش حاضر که به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده، به دنبال پاسخ این سؤال است که طرح‌واره‌های تصویری در ساختار و پیکره داستان منطق‌الطیر چگونه شکل گرفته‌اند؟ نتایج نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های حرکتی، قدرتی، امتدادی و انتزاعی در داستان عارفانه در داستان عطار به کار رفته است.

اهداف پژوهش:

۱. کشف و درک دقیق‌تر مفاهیم و معانی عرفانی در داستان‌های عطار.
۲. بررسی طرح‌واره‌های حرکتی، قدرتی، امتدادی و انتزاعی در داستان عارفانه در داستان عطار با تأکید بر نسخه متروپولین.

سوالات پژوهش:

۱. مفاهیم و معانی عرفانی در داستان‌های عطار چه جایگاهی دارد؟
۲. طرح‌واره‌های حرکتی، قدرتی، امتدادی و انتزاعی در داستان عارفانه عطار چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: طرح‌واره تصویری، هفت شهر عشق، منطق‌الطیر، عطار.

مقدمه

به عقیده جانسون همان‌گونه که حرکت دارای نقطه آغاز، پایان و مسیر است، طرح‌واره‌های حرکتی هم دارای نقطه آغاز، پایان و مسیر است و چون نوع حرکت و جهت از جایی به جای دیگر متفاوت است، طرح‌واره حرکتی نیز به واسطه تعدد جهات به سه دسته افقی، عمودی و چرخشی تقسیم می‌شود. منطق الطیر عطار، اثری تمثیلی و نمادین است و موضوع آن، سفر/ حرکت از خاک به افلاک است و عطار برای محسوس و قابل درک نمودن این حرکت روحانی و انتزاعی از طرح‌واره حرکتی که محصول تجربیات انسان از عالم مادی است، استفاده کرده است. از این رو، منطق الطیر از قابلیت لازم برای بررسی براساس طرح‌واره حرکتی برخوردار است. در این پژوهش طرح‌واره حرکتی افقی، عمودی و چرخشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به طرح‌واره افقی، عطار، لازمه کمال انسان را بی‌توجهی به دنیا، جسم و نفس می‌داند و حرکت از این سه مبدأ، به سوی کمال، وحدت وجود و بقا را می‌توان حرکت از «خودبه‌خود» تعبیر کرد و آن را متأثر از نگرش اشراقی عطار دانست.

عطار در منطق الطیر بیش از همه بر طرح‌واره مسیر تأکید دارد و می‌توان گفت این منظومه عرفانی کوششی برای تبیین اهمیت و ضرورت حرکت در مسیر و ایجاد خودسازی به منظور وصول به حق است و هفت وادی در حقیقت، منازل در مسیر حرکت است که هرکس به میزان شایستگی خود می‌تواند چند یا همه آن‌ها را طی کند. طرح‌واره عمودی در منطق الطیر دارای دو نوع صعودی و نزولی است که آن‌ها را در مفهوم نمادین می‌توان به مراتب معنوی و منزلتی انسان تعبیر کرد. براساس طرح‌واره چرخشی، «بازگشت» به وطن ازلی مهم‌ترین دغدغه انسان است که با حرکت چرخشی از «خودبه‌خود» و از «حق به حق» تحصیل می‌گردد.

قبل از این مقاله‌ها و رساله‌هایی در موضوع بررسی کتب ادبی از نگاه معنی‌شناسی شناختی نگاشته شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: باقری خلیلی و محرابی کالی (۱۳۹۲) در مقاله «طرح‌واره چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ شیرازی» طرح‌واره حرکتی را مورد کنکاش قرار داده است، همین‌طور پوراابراهیم (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «بررسی روش‌های ترجمه استعاره‌های مبتنی بر طرح‌واره حرکتی در نهج البلاغه» را نگاشته است. طاهری (۱۳۹۳) نیز در پایان‌نامه خویش با عنوان «بررسی طرح‌واره حرکتی در منطق الطیر عطار» طرح‌واره حرکتی را در منطق الطیر به تفصیل مورد کنکاش قرار داده است.

این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و بر مبنای مباحث برگرفته از کتابخانه یا روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است. پرسش‌های زیر را پاسخگو هست: طرح‌واره حرکتی چه شناختی از حکایت سیمرغ در منطق الطیر عطار نشان می‌دهد؟ طرح‌واره حرکتی در منطق الطیر در چه مفاهیمی به کار گمارده شده است؟ به کار رفتن طرح‌واره حرکتی، قدرتی و امتدادی در هر کدام از مفاهیم حکایت سیمرغ، بیانگر چه موضوعی هست؟

نتیجه‌گیری

قرب و وصال الهی (حرکت الهی) جزء مهم‌ترین مباحث عرفان و تصوف اسلامی به‌شمار می‌آیند. قرب در لغت به معنای نزدیکی و وصل به معنای رسیدن و اتصال به محبوب است. عطار معتقد است که تنها راه وصل به مبدأ وجود، انقطاع از موسوی الله و ترک تعلقات و فراموش کردن خود است. نائل‌شدن به وصال حق تعالی به تمهیداتی در جهت تعالی روح آدمی نیازمند است. عرفا برای سالکان این راه مقدمات و شرایطی مطرح کرده‌اند. سالک در مسیر سلوک خود برای قرب حق تعالی، باید نفس را از هواهای نفسانی پاک کند. بدین‌منظور کسب مقامات عرفانی باعث صاف‌شدن درون

سالک می‌گردد و در نتیجه او آمادگی و شایستگی کامل پیدا می‌کند تا به وصال الهی نائل شود. درون‌مایه اصلی تفکر عطار در بیشتر اشعارش، بحث درباره ارتباط انسان با خداوند و چگونگی قرب بنده برای وصال به پروردگار هست. این ارتباط پس از به فنا رسیدن سالک منجر به ادراک حقیقت وحدت وجود می‌شود. از آنجاکه عطار، عارف مسلک بوده و علاقه‌ای به طرح مباحث فلسفی و عقل‌گرا نداشته، این ارتباط انسان با خداوند را باذوق و مشرب عرفانی و از راه محبت و عشق و نه از راه فلسفی بیان می‌کند که منجر به اتحاد عاشق و معشوق و یا وحدت شهود می‌شود. تأکید بر طرح‌واره حرکتی در متون عرفانی و تبیین و تحلیل آن تا جایی که در هر یک از متون عرفانی، بخش یا بخش‌هایی به این موضوع اختصاص داده شده است و این نشان‌دهنده اهمیت آن در سیر و سلوک و وصول به حق است. دستور مستقیم الهی در قرآن به این امر و توجه پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز در احادیث، گواهی بر اهمیت این موضوع در امر تعالی و عروج انسان از مقام عدنی به افق علی است که مقصود غایی هر سالک و عارفی است.

در راستای تبیین طرح‌واره حرکتی عطار مفهوم حقیقی وصال الهی را در رسیدن به مقام فنا فی الله می‌داند. او معتقد است که فنا در نهایت به وحدت می‌انجامد و وحدت را در فنا فی الله می‌جوید. برای رسیدن به وحدت سالک در ابتدا از هستی ظاهری خود جدا می‌شود سپس در معشوق چنان غرق می‌شود که خودی از او باقی نمی‌ماند. با گذشتن از این مرحله عارف در وحدتی عاشقانه محبوب ازلی خود را درمی‌یابد؛ بنابراین در سنت اول عرفانی سفر جایگاه مشخص و ویژه‌ای در بین عارفان داشت و گاه مشایخ و بزرگان صوفیه، خود شاگردان و مریدانشان را به سفر و زیارت مشایخ دیگر تشویق می‌کردند تا از برکت نفوس آنان به مراتب کمال در طریقت دست یابند. برای آنکه سفر به صوفیان برای تربیت نفس و تهذیب آن یاری رساند، باید با رعایت آداب و شرایط خاصی انجام می‌گرفت. در بیشتر منابع اصلی و شناخته شده تصوف، فصلی به بیان آداب سفر اختصاص دارد. این آداب و شرایط را صوفیان بایستی به دقت رعایت می‌کردند تا سفر آنان با برکت همراه می‌شد.

منابع و مأخذ:

آباد، مریم. (۱۳۹۳). استعاره مفهومی عشق در غزلیات سنایی، عطار و مولانا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: سید مهدی زرقانی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

بارسلونا، آنتونیو. (۱۳۹۰). نظریه شناختی در باب استعاره و مجاز. ترجمه: تینا امراللهی، تهران: نقش جهان.

باقری خلیلی، علی‌اکبر و محرایی کالی، منیره. (۱۳۹۲). «طرح‌واره چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ شیرازی». فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی، دوره ۶، ش ۲۳، ۱۴۸-۱۲۵.

بهنام، مینا. (۱۳۸۹). «استعاره مفهومی نور در دیوان شمس». فصلنامه نقد ادبی، ش ۱۰، ۱۲۳-۱۲۲.

پورابراهیم، شیرین. (۱۳۹۵). «بررسی روش‌های ترجمه استعاره‌های مبتنی بر طرح‌واره حرکتی در نهج البلاغه». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، دانشگاه بوعلی همدان، دوره ۴، ش ۱۴، ۵۴-۳۵.

پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۲). دیدار با سیمرغ. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). صدای بال سیمرغ. تهران: انتشارات سخن.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۶). با کاروان حل. چاپ چهارم، تهران: جاویدان.

ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۳). استعاره: مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی او مبر تو اکو، مایکل ردی، جورج لیکاف، جان رابرت تیلر، نوئل و، ریچارد مورد. تهران: سوره مهر.

سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۶۴). عارف الم عارف. ترجمه: ابومنصور اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. چاپ دوم، تهران: سوره مهر.

طاهری، قدرت‌الله. (۱۳۸۷). «اصالت تجربه در غزل‌های سنایی». پژوهش‌های ادبی، س ۶، ش ۲۲، ۸۱-۹۹.

طاهری، عارف. (۱۳۹۳). بررسی طرح‌واره حرکتی در منطق‌الطیر عطار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران.

طبرسی، شیخ ابوعلی بن‌احسنی. (۱۳۶۵). مجمع‌البیان فی تفسیر. تهران: انتشارات ناصرخسرو.

طوسی، ابوجعفر محمدبن‌حسن. (۱۴۰۹). التبیان فی التفسیر القرآن. ج ۲، بیروت: مکتب الاسلام اسلامی.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۷۸). منطق‌الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ سوم، تهران: سخن.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۸۰). مصیبت‌نامه. به اهتمام و تصحیح عبدالوهاب نورانی، چاپ پنجم، تهران: زوآر.

----- (۱۳۸۳). منطق‌الطیر. تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.

فروزان‌تر، بدیع‌الزمان. (۱۳۷۴). شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری. چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

قادری نجف‌آبادی، سلیمان و توانگر، منوچهر. (۱۳۹۲). «تحلیل شناختی پاره‌ای از استعاره‌های دل در بوستان سعدی». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، س ۵، ش ۵۱-۱، ۲۱.

قشری، ابوالقاسم. (۱۳۶۱). ترجمه رساله قشیریه. به اهتمام بدیع‌الزمان فروزان‌تر، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۸۹). مصباح‌اله دایه و مفتاح، تصحیح و توضیحات: عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، چاپ چهارم، تهران: زوآر.

کاشانی، ملّا فتح‌الله. (۱۳۵۱). منهج‌الصادقین. تهران: انتشارات علمیه اسلامی.

لیکاف، جورج. (۱۳۸۳). نظریه معاصر استعاره. ترجمه: فرزانه سجودی. تهران: سوره مهر.

مولوی، جلال‌الدین محمدبن‌محمد. (۱۳۹۳). مثنوی معنوی (دفتر اول و دوم): آخرین تصحیح رین ولد. نیکلسون و مقابله مجدد با نسخه قونیه (جلد ۱). ترجمه: حسن لاهوتی و محمود امید سالار، تهران: مؤسسه نشر میراث مکتوب.

نجم رازی، نجم ابوبکر بن محمد. (۱۳۷۴). مرصاد العباد. به اهتمام محمد امین ریاحی، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (۱۳۷۵). کشف المحجوب. تصحیح ژوکوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، چاپ چهارم، تهران: طهوری.